

که مربوط و ناشی از حسیات بشری نیست و بهیچوجه کافی هم نیست که احساسات طبیعی انسان را تحریک کند و همچنین نواهای عجیب و غریبی در فن موسیقی بکار می برند که هیچ تناسب و موافقتی با نظر و مقصود باطنی موسیقی ندارد و تمام اینها چون نزدیک بحقیقت نیست دارای آن اثرات معنوی هم نیست و اینکه دارای اثرات معنوی نیست چونکه علمی نیست (۱)

فیلسوف معظم درینجا داخل در فن شعر شده بعد رشته‌های دیگر و مسائل تفریحات دماغی انسان را شرح میدهد و برای هر کدام يك منشأ اصلی با دلیل و برهان ثابت نموده پیروی و تحصیل آنها روی پایه علمی قرار میدهند و علاوه میکند که هر فن کوچکی و محقریکه بنظر بیاید بدون اساس علمی ممکن نیست اثرات مؤثر خود را ظاهر سازد پس هر کس هر رشته از رشته‌های اعمال انسانی را بخواهد پیشه خود سازد بیبایست اساس علمی آنها فرا گیرد تا قادر باشد آن عمل را بطور مناسب و شایسته و مؤثری انجام دهد.

بعقیده این مرد متبحر هیچ پیشه در دنیا بدون تحصیل اساس علمی آن حسن و زیبایی طبیعی را دارا نیست درست این موضوع نقطه مقابل احوال و اوضاع ایرانست که در این قسمت زمین هیچ چیز اساس علمی ندارد و هیچکس از راه تحصیل بمقامی نمیرسد هیچ صاحب پیشه صنعت خود را از روی معلومات علمی فرا نگرفته برای هر نوع ادعائی هیچ مقیاسی وجود ندارد

هر کس هر معلوماتی را میتواند ادعا کند و انجام هر شغلی را بعهده بگیرد اما وقتی که مقیاس داخل در کار شد و بنا شد که هر ادعائی را با مقیاس معین و معلوم آن اندازه بگیرند آنوقت است که این مدعیان دروغی مانند پیغمبران دروغی که در بروز و ظهور معجزه عاجز میشوند اینها نیز بعجز خود اعتراف خواهند نمود دیگر بساطهای خودرو از بین برچیده شده بجای آن بساطهای علم و عمل و صنعت گسترده خواهد شد :

\* \* \*

حال تمام رشته‌های اعمال بشری که برای زندگی لازم است بطور خلاصه شرح داده شد امید است مفصل آنرا جوانان ایران در مدارس و در اوقات فراغت مطالعه کنند و اگر بخواهند ایران آنها نیز دارای مردان عالم و بصیر و مخترع و صاحب صنعت و با معلومات گردد و نام ایران باستانی بواسطه قدرت و توانائی شجاعت و رشادت آنها ورد زبانها گردد باید این جوانها همت گمارند که هر يك از راه علم و دانش یکی از آن مردان صاحب نام و شهرت گردند

اگرچه تکرار میشود ولی باید باز تذکر داد که ایران هیچ جا نمیرود همیشه و مدام در همان محل و مکان که بوده هست و خواهد بود فقط مردان کاری و آزه‌وده و با تجربه و با معلومات و فداکار می‌خواهد که از آن حمایت نموده در ترقی آن بکوشند هر وقت و هر ساعت که دست ایرانی توانست از روی قدرت و توانائی قبضه شمشیر اجدادی خود را در کف دست گیرد

باور کنید که برق آن چشم دشمن این آب و خاک را خیره  
نموده حرص و آرز خود را نسبت بایران کنار گذاشته دنبال کار  
خود خواهد رفت شواهد تاریخی در این باب زیاد است .

چون شاه پرستی در ایرانی ذاتی است و با شیر اندرون  
شده و این خوی نیک از سالیان دراز بلکه قبل از تاریخ در  
نهاد ایرانی طبیعی است هر وقت در هر دوره که یک پادشاه با  
عزم صاحب تاج و تخت کیانی گردیده ایرانی در سایه شهامت و  
فداکاری آن شاهنشاه بترقیات عالیه نایل شده و بدشمنان وطن و  
ملت خود یک درس عبرت فراموش نشدنی داده است .

نه تنها مردان آن در فداکاری و دفاع از ایران در تحت  
سر پرستی و هدایت چنین پادشاهان پیشقدم بوده زنان نیک سیرت  
آن نیز درین جهادها شرکت نموده اند هیچ وقت واقعه شعف  
انگیز جنگ بازارگاد را که ملت ایران در تحت فرماندهی سیروس  
کبیر بجهاد اکبر قیام نمود و قیدهای اسارت و بندگی دولت  
مدر را دور انداخته اساس سلطنت آنرا واژگون نموده خود  
صاحب تاج و تخت ایران و مد گردید فراموش نمیکنم که یکی  
از اسباب فتح و فیروزی این جنگ شیر زنان ایران بودند که در  
نفس آخر قشون ایران بمدد آنها رسیده اسباب فتح و ظفر  
آنروز گردیدند .

منحصر باین حادثه نیست حوادث دیگری نیز بعد از  
این تاریخ رخ داده است که جای شرح و بسط آنها در اینجا  
نیست عجبالتاً شرح این داستان های باستانی را برساله های دیگر

می گذارم .

چون ایرانی دارای يك چنین صفت شاه پرستی است امید واری هر ایرانی علاقه مندی به شاهنشاه عظیم الشان اوست که در سایه حمایت و سر پرستی پادشاه جوان بخت خود بترقیات عالیه نایل گردد و عظمت و جلال باستانیرا چنانکه مکررا حراز نموده باز در اثر نفوذ و قدرت ذات ملوکانه احراز نماید فقط محتاج باشاره و هدایت پادشاه است که راه سعادت و نیک بختی برای ملت مفتوح شود راه نیز منحصر بفرد و آن نیز طریق علم و دانش است آن قسم علم و دانشی که اسباب قدرت و توانائی ملت گردد یعنی علوم و صنایعی که بواسطه فرا گرفتن آن ها ملت ایران بتواند منابع ثروت وطن خود را بکار اندازد و از فواید آن خود بر خور دار گردد نه دیگران که دشمن مال و جان او هستند و نیز قادر باشد خود مایحتاج خود را تهیه کند و استعداد آنرا داشته باشد که اسباب و آلات دفاع خود را خود آماده کنند و محتاج بخرید یا تهیه از خارج نگردد که در هر موقع بیم خطر جلوگیری میرود - تمام اینها بسهولت در سایه حمایت شاهانه انجام پذیر خواهند بود و بس .

اگر چه ایراد این مسئله و بیان و اشاره به آن بکنوع جسارتی بشمار میرود ولی تذکر گناه نیست - درین قسمت پادشاه گذشته ژاپون در نصف اول قرن نوزدهم میلادی یا در اواخر قرن سیزدهم هجری بهترین سابقه را برای پادشاهان آسیا بیاد کار گذاشته است و نشان داده که چگونه میتوان ملل شرقی

را بپایه علم و اطلاع و صنعت ملل اروپا رسانید یگانه راهی  
که نموده است راه علم و دانش است که باید بتمام معنی ملت  
را بفراتر گرفتن آن باز داشت اما حصول این مقصود مقدس يك  
شرط دارد و آن اینست که شاه بشخصه مواظب و مراقب این  
امر باشند چنانکه پادشاه عالی مقام ژاپون نمود  
اگر امروز شاهنشاه معظم و محبوب ایران که یگانه امید  
ملت ایران هستند با این علاقه مفراطی که به تربیت و تعلیم  
حقیقی ایرانی دارند شخصاً ذات ملوکانه در بهبودی اوضاع  
مدارس مناسب و شایسته و مفید بودن دروسی که تعلیم میشود  
لیاقت و معلومات معلمین که عهده دار تربیت اطفال و جوانان  
ایرانی هستند نظر داشته باشند و امتحان شاگردان ایرانی  
که از تحصیل اروپا مراجعت می نمایند با امر هما یونی بوسیله  
اشخاص معتمد انجام یابد که چه معلوماتی از اروپا بارمغان  
آورده اند یقیناً در آن مدت یکی تغییرات مهم و محسوس در اساس  
تعلیم و تربیت ایرانی ظاهر خواهد شد چون ایرانی همیشه  
پادشاه خود علاقه مند بوده تمایل شاه یگانه وسیله تشویق عمومی  
خواهد بود.

چون موقع پیدا شد باید تذکر بدهم که اغلب شاگردانی  
که با اروپا میروند و پول مملکت را در آنجا ها صرف میکنند  
در مقابل معلومات کافی همراه نمی آورند احصائیه عده از آنها  
را بدقت مطالعه نموده ام جز یأس و تأسف برای من نتیجه دیگر  
نداشته و شاید برای اولیای آنها نیز جز این حاصلی ندهد و برای

دولت نیز که متحمل این همه مخارج شده فایده نداشته باشد .  
چون در مملکت ایران برای هیچ چیزی مقیاس  
نبوده برای معلومات و علوم مکتسبه آنها نیز مقیاسی وجود  
ندارد اطلاع دارم تحصیل تصدیق و دیدلم نیز در خارجه  
چندان کار دشواری نیست و آثرائی که سالیان دراز وقت  
خود را بنام تحصیل با خرج مبالغ هنگفت گذرانده اند هنگام  
مراجعت بایران تھی مغز و تھی دستند خدا کند اینطور نباشد  
ولی يك دليل دارم که اظهار یأس مرا ثابت میکنند و آن  
اینستکه در این مدت از تحصیل کرده های فرنك چیزی نتراریده  
اگر موضوعی داشت یقین اثرات آن تا حال ظاهر شده بود  
چون هیچ فکر یا صنعتی را نمیتوان پنهان کرد و هر قدر در  
کتمان آن بکوشند بالاخره از يك جائی درز خواهد نمود در  
صورتیکه این اندازه برای صاحبان علم و صنعت زمینه فراهم  
و میدان عمل برای آنها وسیع است با این حال دیده نشده يك استاد  
قابل يك صنعتگر ماهر يك صاحب علم و دانش تا امروز از میان این  
تحصیل کرده های فرنك اظهار وجود کند شاید وعده آنها  
هم زیاد باشد ولی اثری از آنها پیدا نیست -

خدای من شاهد است که محرك من جز حب آبنای وطن  
من نیست و اینکه باین نغمه دست میزنم برای اینستکه از  
وجود آنها برای ایران و ایرانی در آتیه فوایدی تولید شود و  
آنهائیکه بمعدن علم و دانش میروند و از سرچشمه علوم و صنایع  
عطش خود را تسکین می دهند میبایست از این سرچشمه فیض

عطش خود را سیراب نموده و خودشانرا دارای فضل و کمال و علم و دانش و صنعت نموده بایران مراجعت کنند و سبب شوند در ایران همان سرچشمه های علم و دانش برآه افتد مردم از آنها استفاده نمایند و مربی اصلی و حقیقی اینای وطن خویش شود نه اینکه سه سال پنج سال بلکه ده سال عمر جوانی را در آنجاها بسر برده و اسباب اتلاف مبالغ ترفافی مالیه دولت یا مملکت یا پول شخصی شده دست خالی و بدون معلومات مفید و سودمند بایران مراجعت نمایند و يك مشت آداب و رسوم ناپسند خارجی را سوغات بیاورند .

فقط بکانه چاره و علاج آن و تشویق و ترغیب شاعران فرنگ رفته يك امتحان علمی و عملی است از کلیه شاعرانیکه تحصیلات خود را تمام نموده بایران مراجعت مینمایند که در تحت توجهات اعلیحضرت همایونی و وزارت معارف بعمل آید تا معلوم شود در مقابل وجوه مصرف شده چه معلومات گرانبھائی تحصیل نموده اند که اقلاً مملکت باندازه همان مخارج از وجود آنها برخوردار شود و قدر و قیمت آنها بموقع در جامعه معلوم گردد و ملت و مملکت جوانان فاضل و دانشمند خود را بشناسد و بوجود آنها افتخار کند .

در این قسمت نیز ملت ژاپون سر مشق خوبی بملل آسیائی داده است هر ملتی از ملل آسیا که میخواهد در شاهراه ترقی قدم گذارد عقل حکم میکند که باید همان راهی را که ملت ژاپون پیموده و بمقصد رسیده و دارای اینهمه قدرت - شان

و شوکت و جلال شده که امروز هیچ موضوع سیاسی در میان  
دول معظم دنیا بدون ملاحظه و بشمار آوردن قوای مادی و  
معنوی آن واقع نمیشود به پیماید.

سرمشق ژاپون چیست؟ اگر مایلید گوش بدهید - در  
اواخر قرن گذشته که شاید تا امروز بیش از شصت سال نباشد  
جوانان باهوش و با استعداد وطن دوست و ملت پرست و عاشق  
ترقی و سعادت مملکت و ملت ژاپون دنیا را زیر پا گرفته در  
دنبال معشوق خویش که عبارت از علوم و صنایع باشد تفحص  
و جستجو نمودند و در هر مملکتی که بوی دانش و صنعت  
به شاهشان رسید در آنجا رحل اقامت افکندند علوم و صنایع آنرا با تمام  
معنی یاد گرفتند و آنها را بایک شوق و ذوقی بوطن اصلی خود  
برده در تعمیم آن از جان و دل کوشیدند و ساکت و آرام نشدند تا  
اینکه تمام آن علوم و صنایع را بابنای وطن خویش تعلیم نمودند  
و دلت خود را با مقام و درجه رساندند که امروز در میان دول  
با عظمت دنیا کوس لمن الملک میزند در اینجا بهتر میدانم چند  
صفحه از تاریخ این نهضت را از بهترین کتاب تاریخ عمومی که  
در بوط باین موضوع است برای شما عیناً ترجمه کنم شاید بهترین  
سرمشقی برای اولیای امور یا اولیای محصلین اروپا باشد (۱)

« در سال ۱۸۷۰ بزرگترین نهضت ملی ژاپون شروع

(1) Harmsworth History of the world  
vol. 1. P. 585

این تاریخ در هشت جلد نوشته شده بهرور از طبع خارج گردید جلد اول آن  
در سال ۱۹۰۷ و آخرین جلد در ۱۹۰۹ بطبع رسیده است



گردید با هوش ترین جوانان و مردان این سرزمین به پرسیه  
زدن دنیا دنبال آن چیزهای مفید و لازم که میشود در ژاپون  
بموقع عمل آورد شروع نمودند بهترین استادان فئیرا از آمریکا  
و اروپا با بهترین حقوقی استخدام کردند و بهترین مستشاران را  
در هر رشته از علوم سیاسی و اقتصادی با حقوق گراف از اروپا  
بژاپون دعوت نمودند که هادی و راهنمای این دولت نو زاد  
باشند ژاپون هرگز قادر نخواهد بود خدمات این معلمین  
صمیمی و با وفای خارجی را جبران کند یا از زیر دین تعالیم و  
تربیت این رادمردان بر آید.

ملت ژاپون نه یادکارهای تاریخی از سنک و نه لوحه  
های کهنه و بر جسته فلزی که بیاد این معلمین و استادان ماهر  
باشد بر پا نکرده است و احتیاجی هم به آنها نیست گرانبها تر  
و شریف ترین این قبیل یادکارها در دنیا آنهایی هستند که این  
معلمین و استادان را برای خود برپا نموده اند و آن عبارت از  
ژاپون جوانست و هرگز ممکن نبود ژاپن باین مقام عالی و  
ارجمنندی بخودی خود در عرض سالهای متمادی برسند اگر این  
اشخاص شریف راهنما و هادی نبودند و صمیمانه این خدمت را  
نسبت بانها انجام نمیدادند (۱)

(۱) چقدر شبیه بمستشاران و معلمین اروپائی ما بودند که از اوایل قرن نوزدهم  
یا اوایل سلطنت فتحعلی شاه بایران آمدند اگر معلمین ژاپن نیز مانند معلمین  
ایران بودند یقیناً اوضاع و احوال آنها بدرجات پست تر و بدتر از اوضاع ما  
بود با اینکه ما هفتاد سال از این حیث از ژاپن پیش هستیم تصور می رود در  
علم و دانش و صنعت دو بیست سال از آنها عقب باشیم در هر حال مستشاران

پادشاه ژاپون با يك مهارت و مال اندیشی نادری میتوانست تمیز بدهد و بداند از کجا باید انتظار بهترین کمک و مساعدت را داشته باشد بنا بر این تعلیم صاحبمنصبان قوای بحری خود را که تازه با بعرضه وجود گذاشته بود بدست معالین بحری انگلیس گذاشت تعلیم و تربیت قشون جوان ژاپون را بر طبق دستور و تعلیمات صاحبمنصبان مکتب مولتکه آلمان که تازه فاتحانه از جنگ سال ۱۸۷۱ با فرانسه بیرون آمده بودند تنظیم کرد اساس تعلیم و تربیت ملی ژاپون را بر طبق پروگرام مدارس دولت اتانزونی بر قرار نمود اصول قوانین قضائی و قانون اساسی را بعهدده علماء فرانسه و آلمان واگذار کرد برای طبابت و جراحی استادان ماهر این فنون را از آلمان طلب نمود تعلیمات و فرا گرفتن علوم و صنایع از قبیل مهندسی شیمی - الکتربک - ماشین آلات میکانیکی و سایر صنایع را اول از انگلیس و امریکا بعده عمده آنها را از آلمان آموخت و هر رشته از علوم که ژاپونی ها فرا گرفتند تمام آنها را ترقی داده بر طبق احتیاجات خود آنها را تکمیل نمودند و بایک مهارتی که مخصوص خود آنهاست صنایع و حرف غربی را موافق میل و سلیقه خود بکار انداخته از آنها بر خور دار شده بعلاوه جوانهای مستعد و باهوش ژاپونرا که میبایست بحکم تقدیر مقدرات ملت ژاپون را در آتیه بدست و معلمین اروپائی ما را سیاست وقت آورد و سیاست وقت بدون اینکه از وجود آنها استفاده شود تقصیر نیز متوجه پادشاهان و دربارهای قرن گذشته است که از علم سیاست و اوضاع دنیا بی اطلاع بودند و نفع شخصی بیشتر مورد مطالعه آنها بود تا نفع ملت و مملکت

گیرند و قابل حکومت نمودن باشند لیاقت و کفایت ایشانرا داشته باشند که قوای دولتی را اداره کنند طرق و شوارع مملکت را بسازند و باز دیاد ثروت ملی بکوشند و سایر احتیاجات ملی را از خارج و داخل رفع کنند برای این مقصود عده زیادی از این جوانها را بممالک خارجه که در آنها بهتر ممکن بود علوم و فنون و صنایع را یاد گرفت فرستادند - انتخاب این جوانها از طرف دولت و سایر صاحبان نفوذ بعمل می آمد و فرستاده میشد بعد ملافت شدند که نتیجه حاصله بمیزان زحمت و مخارجی که دولت میدهد نیست - دولت مجبور شد در اوایل امر تمام آنها را که با خرج دولت تحصیل مینمودند بطلبند و با برقراری مدارس عالیہ متوسطه و استخدام يك عده معلمین درجه اول و استادان ماهر علوم خیلی بهتر و آسان تر شد که در داخله مملکت محصلین تحصیل نموده و این همه پول که ازین حیث بخارجه فرستاده می شد جلوگیری شود مخارج نگاهداری این مدارس نیز نسبتاً خیای کمتر برای دولت تمام شد و عده خیلی زیادتری توانستند علوم و فنون غربی را بخوبی فرا گیرند و آن وضع غیر منظم و مرتب تحصیل که بواسطه اقامت در خارج و دور از وطن اصلی بوده بر طرف گردید و آن عده که میبایست درجات عالی معلومات و علوم را در خارج فرا گیرند مقرر گردید که هر کس لایقتر و استعدادش بیشتر و در امتحان از سایرین بهتر باشد بخارج اعزام شود محصلینی که باین طریق و از راه مسابقه بخارج اعزام میگرددند جوانهایی بودند که از هر حیث

برسایرین برتری داشتند در نتیجه این رفتار در دارالفنونهای معروف آمریکا و اروپا جوانهای ژاپونی در هر رشته از علوم و صنایع عالی از سایرین ممتاز شدند جدیت پشت کار، هوش و ذکاوت اخلاق و رفتار آنها بهترین نام نیک و شهرت عالمگیر را برای محصلین ژاپونی در تمام ممالک اروپا و آمریکا احراز نموده و ضرب المثل گردید و بسر بلندی و افتخار ملت خود افزودند با مختصر آشنائی تصور می‌رود که محصلین ژاپونی شوکت و عظمت ملی خود را در اخلاق و رفتار شخص خود تصور می‌کنند نوعی برای نشان دادن عزت و سعادت ملت خود ساخته شده اند.

در قدم اول محصلین ژاپونی وعده زیادی از صاحب منصبانی که بممالک اروپا اعزام شده بودند تا معلومات و فنون مخصوص که وظیفه هر یک جدا گانه معین شده بود تحصیل نمایند در هر جائی از آنها خوب پذیرائی میشد هیچ دسته اجتماعی عمومی و خصوصی نبود که یکی دونه از اینها در آن مجامع حضور نداشته باشند هیچ مجلس انسی نبود که بدون حضور یکی دو تن از محصلین ژاپونی کامل باشد طولی نکشید که این مجالس اس از آنها خسته شدند چون خود ژاپونی ها بزودی درک نمودند که در این مجالس انس افکار آنها در مجاری دیگر سیر می‌کند در انگلستان مجالس انسی که بیشتر در افکار این محصلین مؤثر بود مجامع فیلسوف های رادیکال بود که حال آثاری از آنها باقی نیست و اگر باشد بسیار کم و نادر است

در این مملکت این طبقه محصلین ژاپونی را زیر بال خود گرفتند و افکار خود را بانها تزریق نمودند و این در آن روزهای بود که محصلین ژاپونی در اطراف فیلسوف معروف هربرت اسپنسر گرد آمده بودند و افکار و نظریات او در آنها بیشتر نفوذ کرده بود و بسیاری از تعلیمات جان استوارت میل (۱) را در موضوع علوم اقتصادی قبول نموده بودند.

اگر محصلین مزبور در این تاریخ (۱۸۷۰) که بعد از زمام امور مملکت ژاپون را در دست گرفتند « نظریات این اشخاص را قبول نموده بودند و بر طبق تعلیمات آنها رفتار میکردند یقیناً تاریخ دنیا غیر از این بود که حال هست - آن کلمات و عبارات خوش آهنگ که در آن زمان در آمریکا و اروپا رواج داشت مانند تجارت آزاد - صالح عمومی - حقوق بشر - برادری و برابری بین ملل - الفاظ و گفتارهای درخشان از این قبیل که بسامعه و فکر بشر خصوصاً شرقی خیلی خوش آیند است و اگر محصلین ژاپونی اینها را به سوغات برآیون میبردند و بملت خود تعلیم مینمودند با آن نفوذی که این محصلین در میان ملت دارا بودند یقیناً ملت ژاپون از آنها قبول می نمود و ممکن بود این عقاید کاملاً روح ملت ژاپون را تغییر داده امروز دارای آن نفوذ و قدرت نباشد که نه تنها در شرق اقصی محسوس است بلکه در سایر ممالک نیز قیافه عبوس آن ظاهر و هویدا است يك ملت ژاپون ایدآلسی و صاحب روح آزادی طلب

(1) John stuart mill

نظری ( نه عملی ) برای دول غربی بهتر و مناسب تر ازین بوده که حال هست دول غرب خودشان مسؤل این پیش آمدهستند که سبب شدند يك ملت آسیائی آنهم در شرق اقصی داخل در يك مرحله از زندگانی بشود که بیشتر عملی است - فقط فتوحات درخشان دولت المان در جنگ با فرانسه بود که این روبه را در دماغ محصلین ژاپون ایجاد نمود و آنها را به تغییر خطی که تا این زمان پیش گرفته بودند وادار کرد - سیاست خشن معروف « خون - آهن » بیزمارک صدر اعظم آلمان که بواسطه فتوحات او در دنیای اروپا برقرار گردید و عبارت بود (حق بازور است) مشرق اقصی که همیشه قدرت و عظمت را بهتر ستایش میکند در قبول کردن و فرا گرفتن این عقیده لیاقت مخصوص نشان داد از آن تاریخ تا سال ۱۸۹۵ (۱) فقط نفوذ و قدرت و

(۱) در سال ۱۸۹۵ يك جنگی بین سلطنت آسمانی چین و پادشاه و زمینی ژاپن واقع گردید قشون پادشاه زمینی ژاپن بایرود آمد و پرت آرتور بندر معروف را با شبه جزیره لیرتونک بتصرف در آورد در آن تاریخ چشم دولت روس در روی پرت آرتور بود که بعدها اسباب شکست و خجالت آن دولت در شرق اقصی گردید فرانسه هم دوست متحد روس بود آلمان هم در این اوقات دنیای مستعمرات میگردید بنا بشرح فوق سه دولت متحد شده و ژاپن را از ثمره فتوحات خود محروم نمودند و اینکه از سال ۱۸۹۵ با آلمان قطع دوستی معنوی نمود از اینجا شروع گردید و منجر شد باینکه در موقع جنگ بین المللی مستعمرات آلمان را از ید تصرف آن دولت بیرون آورد و بعدها نیز حساب کدورت و رنجش خود را با دولت روس در جنگ ۱۹۰۴ یا که شاید نوبت فرانسه نیز برسد خواننده را بکتاب ذیل آشنا میکنیم که سوز درونی ملت ژاپون را در این موقع که از حقوق کنتهایشی یکی از سیاسیون معتبر این ملت است بیرون آمد مطالعه کنند نقل آن در اینجا زاید است

The international anarchy 1904-1914  
by G-Lowe Bickinson

عظمت آلمان بوده که یکانه محرك و مشوق ملت ژاپون گردید و در سال ۷ - ۱۸۸۶ به منتها درجه اوج خود رسید.

قانون اساسی ژاپون که اول بنا بود از روی قانون اساسی ملت انگلیس معین شود بالاخره از روی نمونه قانون اساسی پروس با آن قسمت هائی که آزادی ملت را تا اندازه محدود می کند برداشته شد و اجرا گردید.

یکی از زعماء سیاست ژاپون دلیل این موضوع را بطرز بسیار ساده بیان نموده است و میگوید: ما رفتیم بلندن تا قانون اساسی ملت انگلیس را تحصیل نموده بطرز اجرای آن آشنا شده بوطن خود برگردیم و آنرا نمونه و اساس قانونی خود قرار دهیم ولی نتوانستیم آنرا در جائی پیدا کنیم بنا بر این مجبور شدیم برویم به برلن - در آنجا با کمال میل بما نشان دادند و ما باسانی و سهوات یاد گرفتیم زیرا که خیلی روشن و سهل با دلیل و برهان درسیاه و سفید معین و واضح بود.

این است که ملت ژاپون نیز همان عقاید و نظریات ارتجاعی را که در آن سنوات اروپارا گرفتار نموده بود کسب کرد اصول استقلال اقتصادی بوسیله ایجاد موانع گمرکی و روح نظام که عظمت يك ملتی بسته بداشتن يك نظام برومند است و روح ملیت که هیچ ملتی بدون آن نمیتواند زیست کند عزم جهانگیری و اراده توسعه ارضی تمام اینها جای نظریات فلسفی و صلح طلبی - تجارت آزاد طرفداری صلح دنیا برادری و برابری بین ملل را گرفت و این عقاید درخشان را در طاقچه

های اطاقی که حقوق بشر را در آن جای داد برود گذاشت  
تازینت آن اطاق را تشکیل دهد.

عقاید در این باب هر چه هست باشد ولی باید تصدیق کرد  
آن طریق *عاقلاً نه* که ژاپون اتخاذ نمود و تمام قوای خود را  
مجتمعاً بکار انداخت که اول میبایست خود را مقتدر کند در  
دریا و خشکی *قوة مسلح* کافی داشته باشد تا بمقصود خود نایل  
شود این رویه بهترین راهی بود که ملت و مملکت ژاپون را  
در انظار قادر و توانا بشمار آورد و این اولین وسیله ترقی است  
که بر هر ملتی واجب است.

پرواضح است که هیچ مقدار ترقی در قسمت تربیت ملی  
و تشویق صنایع و حرف و ترقی علوم و فنون - تجارت و فلاحات  
و صنایع داخلی و تمام مؤسسات ملی که در نظر بگیریم هیچیک  
نمی توانست باندازه برق شمشیر ملت ژاپون به سعادت و عظمت  
آن ملت خدمت نماید یا اینکه بحال آن مفید واقع شود اگر  
اسباب تأسف عده شده است ولی لازم است قدری فکر خود را  
عقب تر متوجه نموده و قبل از وقوع جنگ ژاپون و چین را  
در نظر بیاورند خواهند دید که یکنه چیزی که قدرت و عظمت  
ژاپون را در انظار دول مقتدر دنیا مجسم نموده و بان اهمیت داده  
همان قوت و قدرت تکاملی آن ملت بود که دنیای متمدن را  
بحدت انداخت و بوجود يك دولت مقتدری مانند خودشان در  
شرق اقصی آنها در مملد آسیائی قائل شدند «

درینجا یکی دو نکته اساسی است که باید قدری مورد



مطالعه واقع شود یکی اینکه تأسیس مدارس عالی در داخله مملکت و آوردن معلمین قابل و تربیت جوانها در داخله بهتر صورت خواهد گرفت از اینکه عده زیادی بدون تعیین تکلیف و رشته تحصیل بخارجه بروند در آنجاها نیز با محیط های مختلف معلوم نیست چه از آب در بیایند بنظر من نتیجه تحصیل خوب نخواهد شد - با تأسیس يك دارالفنون حسابی با تمام معنی ممکن است سالی سیصد نفر شاگردان تحصیل کرده با معلومات کافی و در تحت نظر اولیای امور همه ساله ازین دارالفنون بیرون بیایند علاوه بر حفظ آداب اخلاق پسندیده شرقی این جوانان منافع مادی آن نیز از حیث مخارج در خارجه زیاد است البته يك عده جوانان امتحان داده با استعداد باید بخارج بروند وای با شروط معین و معلوم که يك شرط آن متخصص بودن آن جوان است که در فن بخصوص این تخصص را داشته باشد ثانیاً در سن معین که کمتر از ۲۱ یا بیشتر از ۲۴ سال نداشته باشند ثالثاً مدت اقامت در خارج که تحصیل آن رشته با تمام خواهد رسید رابعاً در مملکت و محل و مدرسه معین و معلوم که میبایست دوره تحصیل خود را تمام نماید - با داشتن این شرایط چهار گانه داوطلبان این رشته تعیین آنها باید بطور سابقه باشد و هر کس در امتحان بهتر از سایرین بیرون آمد و امتحان داد او نامزد خواهد شد که بخارجه برای اتمام تحصیل اعزام شود .

با اینکه عده غیر محدودی از محصلین بخارجه اعزام شده اند و عده زیادی از آنها بخرج دولت رفته اند هیچیک پر گرام

صحیحی ندارند و معلوم نیست که چه بایست تحصیل کنند و در کجا تحصیل میکنند سن و سال آنها چیست و در چه درجه از درجات تحصیل هستند و کی تحصیلات آنها با تمام خواهد رسید کسانی را سراغ دارم که پنج شش سال است بخرج دولت در خارجه تحصیل میکنند و شاید پنج شش سال دیگر نیز بدین منوال عمر جوانی را بگذرانند باز ملاحظه کنید از دوره مقدماتی قدم جلو تر نگذاشته اند.

يك نکته دیگر که خیلی اساسی است افکار محیط های مختلف اروپاست چون ذوق شرقی بیشتر بالفاظ است خصوصاً در آن قسمت که زیاده تر بروحیات ملل شرق نزدیک است و آنها عبارت از نظریات و عقاید صلح طلبی و آزادی تمام ملل و تأمین حیات آنهاست که بهترین نمونه آن اصول چهارده گانه مسترویلسن امریکائی است یا افکار و عقایدی که بعد از کارل مارکس در اروپا پیدا شد و رشته های ایزم (۱) مختلف را پیدا نمود و در میان عوام بیشتر ریشه دوانید - بسیار خوب تمام این عقاید و نظریات که بنظر نکارنده فوق العاده از دایره عمل دور است که به آمال و آرزو بیشتر نزدیک سر جای خود - باید دید ایران بکدام يك از اینها نزدیک است ایران بعمل محتاج است نه آمال - ایران اگر مانند ملل اروپا در زندگانی جدید که بیش از سیصد سال است در دنیای اروپا ظهور کرده و بمرور بدایره خود میافزاید و ملت ژاپون نیز در پنجاه شصت سال

قبل خود را باین زندگانی آشنا نموده داخل شده بود هیچ  
دانه‌ی نداشت که تمام این افکار و نظریات آمالی را هم کسب  
کنند و با آنها بازی نمایند اما درست در حال حاضر ملت ایران  
دقت کنید و ملاحظه نمائید این افکار و عقاید مانند یک سم مهلکی  
است که بیک مریض بی قوه و بنیه میخورانید نتیجه آن میدانید  
چه خواهد شد مرك آنی و نحو فوری و عدم صرف شدن در  
آن واحد.

اساساً نمیتوان ملت ایران را با یکی از ملل حاضر مرقی  
طرف نسبت قرار داد و گفت فلان ملت که درجه سیر آن در  
میزان تمدن بشری بفلان مقدار رسیده و درجه تمدن ایرانی بفلان  
نقطه پس فرق بین این دو ملت فلان قدر است در صورتیکه چنین  
مقیاسی غیر ممکن است بدست بیاید.

ایران هنوز داخل در هیچیک از مراحل زندگانی مرقی نشده  
نزدیک شدن و عنوان کردن یا دنبال کردن این عقاید آمالی و نظری  
بکلی منافعی با منافع حقیقی و مسلم ملت ایرانست  
من مایلم ایرانی از این دایره حرف و لفاظی که گمراه کننده  
هر ملتی است برون بیاید و داخل در رشته هائی بشود که در آنها فقط  
عمل است.

فلان آدم را ملاحظه میکنید در بنیه خوب در سن جوانی  
دست و پای صحیح و سالم نشسته دارد دعا نویسی و طلسم بندی  
میکند فال می بیند طالع میگیرد از زیر زمین و از هفت طبقه آسمان  
خبر میدهد ولی اگر این هوش و ذکاوت را بکار عملی وادارد

نه کسی را گمراه نموده و نه عمر خود را به بطالت و تنبلی گذرانده است يك صنعتی را هم یاد گرفته که هم خود و هم طالب آن و هم وطن او از آن برخوردار شده است .

حال وضع این آدم رمال و دعا نویس را با اوضاع سایر ایرانیها در هر طبقه که فرض شود مقایسه کنید همه رمال همه دعا نویس همه فال بین و طالع بین هستند منتهی باشکال مختلف - اگر ایرانی دارای این يك عقیده باشد که در اول هر شب که روز را باخر رسانده است پیش خود فکر کند (۱) امروز چه کار مفید و سود مندیرا یا برای خود یا برای بستگان خود یا برای ملت و وطن خود یا در اجرای وظیفه خود انجام داده است اگر جواب طور است که يك خدمتی را انجام داده بگذارد وجدان او از او راضی باشد و او را آسوده بگذارد و راحت بخوابد اگر چنین خدمتی را انجام نداده است خود را بسیار بدست وجدان خود که او را ملامت کند تنبیه نماید و سرزنش کند که تو بشر نیستی انسان وظیفه شناس نیستی تو بگره عمر عزیز را به بطالت و بیکاری گذراندی خجل باش شرمنده باش و خود را اصلاح کن از فردا دنبال انجام وظیفه باش و سعی کن خود را در جامعه که تو عضوی از اعضاء آن هستی مفید و بافایده و

(۱) فرانکلن امریکائی در تاریخ حیات خود مینویسد هر شب در وقت استراحت خیال میکردم اگر خدمتی نسبت بوطن خود انجام نداده ام انشب خواب راحت نداشتم و تا صبح با خود در جدال بودم

لایق قلم بدهی و ذاتاً هم همینطور باشی  
ایرانی اگر شده برای یکی دو نسل هم باشد از تمام  
این افکار و عقاید و نظریات آملی دوری کند بکانه عقیده که  
میبایست دارا باشد اینستکه چگونه ملت و وطن خود را ترقی  
داده و سعادت مند کند و از چه راه مردم را با علوم و صنایع  
زودتر و بهتر و نافع تر آشنا نماید بچند نوع علوم و صنایع محتاج  
است راه تحصیل و فرا گرفتن آنها چیست چگونه اسباب دفاع  
و حفظ و حراست وطن خود را فراهم آورد چگونه زودتر و سریع  
تر بدون عجله و دست پاچگی ملت ایران را داخل در زندگانی  
سعادت مند نماید این بکانه عقیده است که میباید هر ایرانی  
داشته باشد و عمل کند و نتیجه بگیرد اگر چنین عقیده را داشت  
و عمل نمود گلیم خود را از آب بیرون کشیده است  
باور کنید بشهادت تاریخ تمام جنگهای عمده دنیا را  
در این سیصد ساله اخیر انگلیسها سبب شده اند با این حال همیشه  
دم از صالح دنیا زده و خودشانرا فرشته صالح و سلامتی کره  
ارض قلمداد نموده اند - عقاید درخشان کلمات و عبارات بسامعه  
خوش آهنگ در محافل و مجامع اروپا بسیار است ولی تمام این ها  
خالی و تهی مغزند جوانان ما نباید گول ظاهری آنها را بخورند  
یا شیفته معنی آنها گردند امروز ملل اروپا حال یکدسته گری  
را دادند که از شدت جوع دور هم حلقه زده و منتظرند کدام  
یک از اینها از دایره روبرو میگرداند تا او را گرفته پاره پاره کرده  
بخورند اگر راست میگویند و این حرفها حقیقت دارد میبایست

لزوماً اثرات آنها در عمل نیز ظاهر شود صحبت در اینجاست که چگونه است خود این ناصحان بهیچوجه بنصایح خودشان گوش نمیدهند و عمل نمیکنند و هرروز هم موضوعهای جدیدی برای دشمنی در میان خودشان پیدا شده بیشتر اسباب نزاع و جدال فراهم میگردد

دیروز بود که جنک بین المللی خاتمه یافت و در این جنک ملیونها نفوس بشری در عنفوان جوانی قربانی گردیدند ملیونها خانواده بی صاحب و سرپرست شدند و هزاران ضررها و خسارات گوناگون بعموم سکنه روی زمین رسید با این حال اروپای امروز مسلح تر و حاضر تر برای جنک است تا سال ۱۹۱۴ متمدن ترین آنها قویترین آنهاست و قویترین آنها مسلح ترین آنها و هر يك از این دول که آلات قتاله آن برنده تر و مؤثرتر است بهمان درجه نفوذ و قدرت آن زیاد تر است .

بنظر نگارنده بهترین چیزی که ایرانی باید بان علاقه داشته و آنرا بهر قدر و قیمتی که باشد باید آماده کند قوت و قدرت ملی است که باید دارا باشد و برای ایجاد آن از هیچ چیز فروگذار نکند تا دارای یکچنین قدرت و عظمت ملی نباشد ممکن نیست بتواند منافع مادی و معنوی ملی خود را حفظ کند - محصلین جوان با استعداد که برای تحصیل بخارج اعزام میشوند باید دارای این ایدآل باشند که وطن و ملت خود را دارای ان شوکت و عظمت و قدرت و نفوذ بکنند که شایسته يك ملت زنده دل و برومند باشد و سکنه آنها را دارای یکچنین معلومات علمی

و صنعتی بنمایند که بتوانند از حیات ملی خود نگاهداری کنند و تمام اینها منوط و مربوط و بسته با استعداد ذاتی و فطری و مقدار زحماتی است که این محصلین جوان در خارج بکار برده در تحصیل و فراگرفتن معلومات نافع و عملی و سودمند درتوانند ثروت در ایجاد قدرت و آبادی مملکت لازم خواهد بود و بس . امروز تمام عقاید درخشان مریبان صلح بشر و تمام رشته‌های فلسفی علماء اخلاق در ثبوت برادری انسان و دوست داشتن ملل یکدیگر را و خود مجمع اتفاق ملل و هزاران رشته . های دیگر برای ما ایرانیها يك پول ارزش ندارد و آنچه که ما محتاجیم علم و صنعت و فن و طرق تحصیل ثروت و بکار انداختن منابع عایدات ملی و استخراج معادن بدست ایرانی ایجاد قوت و قدرت ملی - علم اداری - مهارت مملکت داری - عالم - بصیر مطلع با صنعت کردن ایرانی اینهاست که ایرانی محتاج است و باید تحصیل کند و عمل نماید باقی دیگر حرف است امل برای ما قدر و قیمتی ندارد

\* \* \*

يك موضوع دیگر هست که میخواهم قبل از خاتمه این رساله بان اشاره کنم و آن موضوع تمدن اروپاست - مقصود از این کلمه تمدن چیست ؟ چون يك کلمه بسیار فریبنده و گول زن است میخواهم غرض از معنی اصلی آنرا که چیست برای شما تشریح کنم .

ما شرقی ها چون در عالم خیال قدم میزنیم و از میدان

عمل دور هستیم تصور میکنیم کلمه تمدن عبارت از اینست که انسان یکدیگر را دوست بدارد و هر چه خود دارد از دیگران مضایقه نکند و هر چه دوست و رفیق می طلبد در طبق اخلاص گذاشته تقدیم نماید و آنچه که در خور قدرت و امکان باشد سائل آنرا محروم نکند بعلاوه جامعه که این ادعا را میکند و خود را متمدن می شمارد میبایست امانت - دیانت عفت و عصمت ایسان و مذهب و خدا شناسی رحم و مروت در میان آنها باعلا درجه رسیده باشد و هر کس در هر درجه و مقامی که در جامعه داراست تمام این صفات را باید بدرجه متناسبی دارا باشد شفقت بر ضعفا تفقد بر فقراء مساعدت با محتاجان تمام این صفات از و ما ارکان محکم و متین اینکلمه که عبارت از تمدن است میبایست باشد اینست آنچه که ما شرقیها از اینکلمه استنباط میکنیم و در دایره خیال و تصور خود آنرا مجسم مینمائیم در صورتیکه چنین نیست .

در ایران اغلب اتفاق افتاده که دربهای حیاط خانه ها تا صبح باز مانده و کسی داخل آن خانه نشده است روزها که تمام باز و بدون بستن رفت و آمد میشود در اروپا و امریکا چنین نیست دقیقه غفلت از بستن درب شود نه تنها اثاثیه ان خانه در خطر است بلکه سکنه ان نیز در معرض خطر جانی واقعند علاوه بر اینکه درب باید باشد زنجیر های مخصوصی نیز پشت دربهای خانه ها نصب شده اند که ممکن نیست کسیکه پشت درب میاید آنرا برای واردین باز نماید و بدون کمک این



زنجیر جرئت باز نمودن درب را داشته باشد باید اول آن زنجیر را بچهار چوبه درب اتصال دهد که فقط باندازه يك و جب در باز شود تا طرف را بشناسد که کیست بعد از آنکه شناخت آنوقت زنجیر را از پشت درب بردارد و اجازه بدهد تازه وارد داخل خانه شود غیر از این باشد آن خانه و سکنه آن در خطر دزد و جانی واقع خواهد شد.

وقتیکه انسان در خیابان یا کوچه و بازار اروپا یا امریکه گردش میکند جرئت اینکه از کسی سؤال کند ندارد چونکه هم طرف سؤال از سؤال کننده وحشت دارد و هم خود سؤال کننده در خطر است که ممکن است آن آدم يك متقلب و جانی و خطر ناك باشد و اسباب زحمت او را فراهم بیاورد فقط انسان از کسیکه میتواند با اطمینان خاطر سؤال کند یا خبری بپرسد پلیس است و بس آنهم نه پلیس هر مملکتی مثلاً پلیس شهر نیویورک مورد سوءظن سکنه است پلیس لندن از حیث امانت و درستی بهترین پلیس هاست برای پلیس های پاریس این صفات تصدیق نشده در هر حال در این دنیای متمدن اروپا آن امنیت شخصی و مصونیت از تعرض دزدان و راهزنان اجتماعی که در شرق برای ما موجود است در آنجا ها نیست يك هوش و دقت و مراقبت مخصوص میخواهد که انسان خود را در میان این قاره متمدن حفظ کند.

انسان از مطالعه مندرجات جراید یومیه راجع باتفاقات جنائی وحشت میکند در آنجا ها وقایعی رخ می دهد که در